

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرخه، سرماخوردگی، و ... باعث گیجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

استان

برداشت انجیر از ۱۵۰ هکتار باغ در گلگاه آغاز شد

برداشت محصول انجیر از سطح ۱۵۰ هکتار از باغات شهرستان گلگاه آغاز و تا اوایل مهر ادامه خواهد داشت. شربتدار: گلستان را به گزارش روابط عمومی شهرداری گلگاه برداشت محصول انجیر در حالی از باغات شهرستان گلگاه آغاز شده است که ششمین جشنواره انجیل گلگاه نیز همزمان از ۱۲۴ الی ۲۸ مرداد ۹۸ در این شهرستان برگزار می شود این جشنواره باعث می شود توانمندی مردم و جوانان این شهرستان دیده شود و همچنین به اشتغال و درآمد جوانان و مردم بومی این منطقه کمک شایانی می کند. یادآوری می شود امسال ششمین سال برای این جشنواره می باشد و شهرستان گلگاه میزبان مهمانان زیادی از مردم مختلف کشور به خصوص استان های همجوار مانند اردان ، بخصوص گلستان ، سمنان ، گوگان و تهران می باشد.

استان

مخابرات منطقه گلستان موفق به کسب رتبه دوم در ارزیابی عملکرد ۹۷ شد

مدیر مخابرات منطقه گلستان از کسب رتبه دوم در ارزیابی عملکرد سال ۹۷ مناطق مخابراتی در سطح کشور خبر داد.

شربتدار: گلستان | به گزارش روابط عمومی مخابرات منطقه گلستان، مهندس غلامعلی شهمرادی ضمن اعلام این خبر گفت: در راستای برگزاری ارزیابی ۱۲ ماهه سال ۹۷ شرکت مخابرات ایران، مخابرات منطقه گلستان موفق شد در حوزه های فنی، تجاری، مالی و ... در میان ۳۱ منطقه مخابراتی با امتیاز ۹۶/۱۷۷ رتبه دوم کشوری را از آن خود کند. وی با تبریک این افتخار به کارکنان مخابرات منطقه گلستان خاطر نشان کرد: کسب رتبه دوم حاصل همت مضاعف و تعهد حرفه ای همدلی و همکاری در محیط کاری است.

استان

مجری سامانه دوم آب رسانی اصفهان شرکت آب منطقه ای است

اصفهان - راعی | مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب اصفهان دلیل افت فشار آب آشامیدنی در برخی از نقاط را شرایط خاص سامانه آبرسانی اصفهان بزرگ دانست و گفت: ظرفیت محدود این سامانه دلیل اصلی افت فشار آب در برخی از نقاط اصفهان است، برای حل آن چارهای جز راه اندازی سامانه دوم نیست.

مهندس هاشم امینی افزود: سامانه آبرسانی حوزه اصفهان بزرگ یا همان سامانه دوم باید ۱۲ سال قبل تکمیل می شد و به اتمام می رسید اما این امر تاکنون محقق نشده است. وی خاطر نشان کرد: شرکت آب منطقه ای اصفهان مجری پروژه احداث دومین سامانه آبرسانی اصفهان بزرگ است، این شرکت اکنون در حال ساخت تصفیه خانه و سامانه آبرسانی این طرح است و امیدواریم هر چه زودتر به پایان برسد، باید این نکته را تاکید کنیم که نیاز به سامانه یاد شده برای ماه های گرم به شدت احساس می شود.

مدیرعامل آفا اصفهان افزود: راه اندازی سامانه دوم راه حل برای رفع افت فشاری است که در برخی از ساعت شبانه روز در اصفهان و دیگر شهرها و روستاهای استان رخ می دهد.

مهندس هاشم امینی اظهار داشت: به مدار قرار دادن سامانه دیگر آب رسانی به این سامانه فعلی برای تامین آب آشامیدنی جمعیت بیش از چهار میلیون و ۲۰۰ هزار نفری امری ضروری است، بی شک اصلی ترین اولویت در استان اصفهان همان اجرای سامانه دوم آبرسانی است. وی با بیان این که این طرح از لحاظ پدافند غیرعامل اهمیت بالایی دارد، تصریح کرد: سامانه دوم آبرسانی اصفهان باید از سال ۸۶ به آب و فاضلاب استان اصفهان تحویل داده می شد، زیرا پایان عمر خط انتقال آب آشامیدنی به اصفهان همان سال بود اما از آن زمان تاکنون با وجود مشکلات فراوان سامانه دوم وارد چرخه بهره برداری نشده است. رئیس هیات مدیره و مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان اصفهان افزود: تا دمای ۳۳ درجه حدود ۱۲ متر مکعب بر ثانیه برای جمعیت تحت پوشش طرح آبرسانی اصفهان بزرگ آب شرب نیاز است و هر درجه سانتی گراد که بالاتر می رود پنج درصد به نیاز آبی ۵۶ شهر و ۳۰۰ روستایی که از سامانه آب اصفهان استفاده می کنند افزوده می شود به این معنا که برای ۳۴ درجه سانتیگراد ۱۲۶ متر مکعب و برای ۳۵ درجه سانتی گراد ۱۳۲ متر مکعب آب مصرف می شود این در حالیکست که برای دمای ۴۱ درجه سانتی گراد که این روزها شهرمان تجربه می کند ۳۵ درجه متر مکعب کمبود آب داریم بنابراین افت فشار و قطع آب در برخی اوقات رخ می دهد.

آگهی مفقودی

برگ سبز و سند کمیته ای سایبا هاج یک تیبیا به شماره پلاک ۱۵ ایران- ۱۷۹- ۵۶ در شماره موتور ۱۳۴۸۵۱۳۶۹۸ و شماره شاسی ۱۴۵۵۸۵۸۰۱۴۵۵۸۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

کلید استاد سمند ایکس ۷ به شماره پلاک ۲۵ ایران- ۵۲۳ سی ۵۲۳ و شماره موتور ۱۳۴۸۵۱۳۶۹۸ و شماره شاسی ۱۴۵۵۸۵۸۰۱۴۵۵۸۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مفقودی

کارت پرسنلی جمعیت هلال احمر به نام آقای عادل رجایی کرمانی با کد ملی ۲۲۰۰۷۱۴۵۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سقوط مرگبار ۲ نصاب به چاهک آسانسور

شهروند | دو نصاب آسانسور بر اثر سقوط به چاهک آسانسور جان باختند. ساعت ۵:۱۴ روز جمعه در پی تماس شهروندان با سامانه ۱۲۵ و اعلام سقوط دو نصاب آسانسور به چاهک آسانسور، ستاد فرماندهی آتش نشانی تهران بلافاصله آتش نشانیان ایستگاه ۸ و گروه امداد نجات ۱۸ را به محل حادثه در یوسف آباد، خیابان چهل و چهار اعزام کرد. به گفته شاهدان، دو نصاب کابین آسانسور در طبقه سوم یک ساختمان در حال ساخت (در قسمت چاهک آسانسور) در حال کار بودند که ناگهان به طبقه منفی دو سقوط کرده بودند. آتش نشانیان بلافاصله پس از رسیدن به محل حادثه، ایمن سازی های لازم را انجام داده و این دو کارگر را تحویل امدادگران اورژانس دادند که متأسفانه پس از انجام معاینات اولیه توسط عوامل اورژانس، مرگ هر دو نصاب در همان لحظات اولیه تأیید شد.

خواهر لیدا کاوه در گفت و گویی اختصاصی با «شهروند» ماجرای این پرونده مرموز را پس از ۴۷ روز روایت کرد

پشت پرده ماجرای ۸ روز شکنجه «لیدا»

ندا کاوه: اگر خواهرم تعادل روحی نداشت موضوع رارسانه ای نمی کردم



سیمافراهانی | چهل و هفت روز گذشت و در نهایت خواهر لیدا کاوه به تماس خبرنگار «شهروند» پاسخ داد و از ماجرای ۸ روز ناپدید شدن خواهرش گفت. ماجرای که حاشیه های زیادی را به همراه داشت و این دختر روز شکار بود و در خانه سوار را به در دسرهای عجیبی انداخت. دختر جوانی که چندین روز همه جا و همه مردم به دنبالش بودند. عکس های بیش در رسانه ها و فضای مجازی دست به دست می چرخید. مردم بسیج شده بودند که سرنخی از این دختر جوان به دست آید. در نهایت شامگاه هشتم تیر ماه لیدا در پارکی در مرداران به حالت نیمه بیهوش پیدا شد. روز نهم تیر ماه خبر خوب به سرعت منتشر شد. لیدا زنده است و او را به بیمارستان برده اند. اما این پایان ماجرا نبود. در دسرهای لیدا بعد از پیدا شدنش همچنان ادامه داشت. هیچ کس نمی دانست این دختر چرا گمشده بود و چرا پیدا شد. حرف های لیدا و بیان آن چه در آن ۸ روز دیده بود، باعث شد بگویند این دختر جوان تعادل روحی و روانی ندارد. لیدا می گفت مرا زد دیدند، چون می خواستند قلبم را به شخص دیگری پیوند بدهند. همین جملات کوتاه حاشیه های زیادی برای لیدا درست کرد. تا این که در نهایت خواهر لیدا کاوه، صبح دیروز ماجرای چند روز ناپدید شدن این دختر را روایت کرد و از جزئیاتی گفت که هیچگاه از آن صحبت نکرده بودند. او از دره ای که خواهرش در این دو ماه کشیده بود گفت.

• در ابتدا بگوید حال خواهرتان بهتر شده است؟
الان نسبت به دوسه هفته قبل بهتر شده است. می تواند کمی راه برود. عضلات پاهایش تحلیل رفته بود و نمی توانست راه برود. روده های خشک شده بود از بس به او غذا ن داده بودند. تا حدی که تا چند روز اول وقتی به او غذا می دادیم حالش بد می شد و دوباره مجبور می شدیم او را به بیمارستان ببریم. الان خدارو شکر کمی بهتر شده است. البته از نظر جسمی بهتر شده ولی روحش همچنان آزرده است. حال روحی خوبی ندارد و مرتب گریه می کند.

• وقتی خواهرتان پیدا شد، صحبت های زیادی درباره اش مطرح شد، تا چه حد این صحبت ها را قبول دارید؟

هیچ کدام از حرف هایی که در مورد خواهرم بعد از پیدا شدنش زدند را قبول ندارم. آن حرف ها از روی انصاف نبود. خواهر من یک ورزشکار بود. درست است که در هیچ فدراسیونی نبود، اما برای دل خودش دوچرخه سواری می کرد. مثل خود من که برای دل خود اسکمی می کنم. اما وقتی خواهرم پیدا شد، کلی شایعه پراش درست کردند. گفتند تعادل روحی و روانی ندارد و حرف هایی که می زد مستند نیست. گفتند اعتیاد دارد. گفتند برای جذب فالوور این حرف ها را زده است. در صورتی که هیچ کدام از این حرف ها اصلا منطقی پشتش ندارد. اگر خواهرم تعادل روحی و روانی نداشت، من که با او زندگی می کنم باید این را می دانستم و اگر می دانستم چرا باید ماجرای ناپدید شدنش را آن طور مطرح کنم. و اگر تعادل روحی نداشت پزشک بیمارستان هم این موضوع را تأیید می کرد. در صورتی که هم روانپزشک بیمارستان و هم روانشناسان پزشکی قانونی خواهرم را معاینه کردند و این موضوع تأیید نشد. اگر خواهرم تعادل نداشت همانجا پرونده بسته می شد. در مورد اعتیادش هم باید بگویم پزشک تأیید کرد که هیچ ماده مخدری در خونش پیدا نشده است. خواهر من هیچ وقت اعتیاد نداشت و حتی در این مدت هم به او هیچ موادی تزریق نکرده بودند. لیدا ورزشکار بود و حتی اگر اعتیاد هم داشت من به عنوان خواهرش باید این موضوع را می دانستم. پزشکی قانونی هم این موضوع را تکملا رد کرد و تأیید داشت که هیچ ماده مخدری در خونش وجود ندارد و در خونش فقط

• مگر می شود که عمل به این مهمی را در یک خانه انجام داد؟
لیدا کل آن ۸ روز بیهوش بود. وقتی به هوش می آمد بلافاصله دوباره او را بیهوش می کردند. اما در همان چند لحظه ای که به هوش می آمد از حرف های آن دو مرد متوجه شده بود که آنها می خواهند هر طور شده این عمل را انجام دهند. پدر آن دختر حتی مقابل خواهرم گریه کرده بود و گفته بود مرا ببخش. من مجبور شدم این کار را کنم. سال ها منتظر بودم تا قلبی برای دخترم پیدا شود. سال ها در لیست انتظار بودم. اما نوبتم نشد. دخترم را دارم از دست می دهم مجبورم که این کار را کنم.

• پس چطور شد که خواهرتان را رها کردند؟
گویا روز چهارم یا پنجم بود که آن دختر در همان خانه از دست می رود. وقتی می میرد پدرش خودش را کمک می زند و گریه و زاری می کند. دیگر کاری به خواهرم نداشتند. اما همچنان او را مرتب بیهوش می کردند. تا این که بعد از چند روز در نهایت پدر آن دختری که گوید من که دخترم را از دست دادم حداقل این دختر را به خانواده اش برسانید. حتی آن پسر جوان تر می گوید این دختر را بکشیم یا آن قدر به او مواد تزریق کنیم تا او دروغ کند. اما آن پدر قبول نمی کند. برای همین خواهرم را دوباره بیهوش کرده و در پارک رها می کنند.

• در آن مدت خواهرتان کجا و در چه شرایطی

نگهداری می شد؟
در یک خانه خالی روی یک صندلی دستش را بسته بودند. دختر آن مرد هم با تجهیزات پزشکی، یعنی مانیتور قلب و بقیه موارد روی یک تخت در نزدیکی خواهرم نگهداری می شد، یک پرده هم بینشان وجود داشته است که روی همان تخت هم فوت می کند.

• فکر می کنید فوت این دختر به فاش شدن این موضوع کمک نمی کند؟
هیچ چیزی نمی دلم. فقط این که خواهرم اصلا چهره این دختر را ندیده بود و این که شاید او را در شهرستان خاک کرده باشند. شاید به جای دوری انتقالش داده باشند. البته همه این موارد در حال پیگیری است.

• لیدا وقتی سوار تاکسی شد او را ربودند؟
تاکسی نبود. یک خودروی پراید بود. خواهرم روی صندلی جلو نشسته بود. یک مرد هم صندلی عقب بوده که در راه آن مرد دستش را دراز می کند و در یک لحظه لیدا را بیهوش می کنند.

• خواهرتان توانست چهره آنها را ببیند؟
نه وقتی که سوار خودرو شده بود که اصلا آنها را ندیده بود. تمام مدت هم در آن خانه، آن دو مرد، یکی جوان و دیگری حدودا ۵۰ساله، نقاب زده و صورتشان را پوشانده بودند.

• مشخص بود که آن جوان چه کسی بود؟
او فقط از خواهرم خون می گرفت و به او آب معدنی با نیابت و ماده خواب آور می خورد. آنکار از کارهای پزشکی سر در می آورد،

• چرا خون می گرفت؟
دقیقا نمی دانیم. من در این مورد با پزشکان زیادی صحبت کردم و حدس می زنیم که شاید می خواستند خواهرم دچار مرگ مغزی شود و بعد عمل پیوند را انجام دهند.

• پزشکان زیادی می گویند که این منطقی نیست عمل جراحی به این مهمی جای دیگری به جز بیمارستان انجام شود؟
قطعاً آن مردی که خواهرم را برده، به جایی رسیده که عقلش را دست داده است. در تمام پرونده های این چنینی، مجرم کاری از روی منطق و عقل انجام نمی دهد. آن پدر هم کارش منطقی نبوده است. در آن مدت هم آن پسر جوان تر با جایی هماهنگ می کرد. انگار می خواستند برای عمل آنها به جای دیگری ببرند. ماجری بیشتر از این نمی دانیم. خواهرم همین ها را هم در حالت نیمه بیهوش متوجه شده بود.

• به خواهرتان مواد هم تزریق کردند؟
نه اصلا خونش پاک بود. فقط ماده خواب آور و مسکن در خونش پیدا شد.

• هیچ سرنخی از آدم را بیان پیدا نشده است؟
نه هنوز. ولی پلیس آگاهی ششت پیگیر ماجرا است. پرونده هنوز در آگاهی باز است و همچنان به این موضوع رسیدگی می شود. می خواهیم که عاملان این ماجرا دستگیر شوند و به سزای اعمالشان برسند.



بر تقاضای بخشش و عفو از خداوند و خانواده مرحوم استاد داشت، درباره این که آیا قرار است نسبت به وکیل معزول آقای نجفی یعنی علیرضا طباطبایی که به گفته آقای استاد مسائلی کذب را مطرح کرده بود شکایتی صورت پذیرد، گفت: «حق شکایت برای اولیای دم محفوظ است؛ این موضوع توسط بنده در جلسه دوم دادگاه مطرح شد اما تا به این لحظه چنین تصمیمی نگرفته اند و امیدوارم ایشان راهم مورد بخشش قرار دهند»

حاجلویی در پایان درباره این که به عنوان وکلای اولیای دم روند رسیدگی را چگونه دیدید، گفت: «رسیدگی قضائی در دادسرا و دادگاه بدون اطلاع دادری و در کمترین زمان ممکن و به دور از فشار هر نهادی صورت گرفت اما خالی از ایرادات جزئی هم نبود اما بحمدالله مجازات های قانونی در رابطه با اتهامات متهم جز در یک مورد صادر و اعلام شد که البته موضوع اعتراض اینجانب و همکارم با اعلام رضایت موکلین به جنبه خصوصی جرم منتفی خواهد بود.»

وکیل اولیای دم میتر استاد گفت:

مسعود واقعا معامله نکرد

تسنیم | «بخشش نجفی کاملا بی قید و شرط صادر شد و اولیای دم علیرغم داشتن این حق، هیچ گونه مبلغی به عنوان دیه به وجه المصلحه دریافت نکردند و هر گونه شایعه در این باره بی اساس و کذب است». اینها را یکی از وکلای اولیای دم میتر استاد مطرح کرد و درباره این که روند مذاکرات برای اخذ رضایت از اولیای دم به چه صورت بود، گفت: «اینجانب و همکارم به عنوان وکلای اولیای دم مرحومه میتر استاد، خداوند را شاکر هستیم که سرانجام این پرونده ضمن اجرای عدالت و رعایت حقوق اولیای دم به رضایت و بخشش استودنی منتج شد و موکلین و خانواده محترم مرحومه با بزرگواری بی منت از حق شرعی و قانونی قصاص گذشتند و برای بخشیده شدن آقای نجفی از درگاه خداوند طلب مغفرت کردند و با همه مصائب و حرف و حدیث ها و شایعه سازی های غیر قابل باور افرادی بدخواه جایگاه معنوی خود را نزد خداوند حفظ کردند.»

در این مهم، نقش بزرگان کرمانشاه، خانواده و برادران و دختر و کلای آقای نجفی و دولت مردانی در حد وزرا از هیأت دولت فعلی و دولت مردانی از دولت اصلاحات و همکاران سابق نجفی بی تأثیر نبود؛ به دلیل این که شاید رضایتی از اعلام نام آنها در این کار نداشته باشند از اعلام نامشان معذوریم.» حاجلویی درباره این که آیا مذاکرات از ناحیه اولیای دم به

حاجلویی در بیان این که این رضایت کاملا بی قید و شرط صادر شده و اولیای دم علیرغم داشتن این حق، هیچ گونه مبلغی به عنوان دیه و وجه المصلحه دریافت نکردند و هر گونه شایعه در این باره بی اساس و کذب است، درباره مطالبه مهریه مرحوم استاد گفت: «بنده و همکارم در پرونده قتل از اولیای دم و کالت داریم و در مطالبه مهریه از جانب آنها و کالتی نداریم اما به هر حال مهریه حق قانونی است که مخیر به مطالبه و بخشش هستند.»

وی با بیان این که نجفی هیچ تماس تلفنی با اولیای دم نداشت و صرفا در داسرا بعد از روز قتل صحبت کوتاهی مبنی